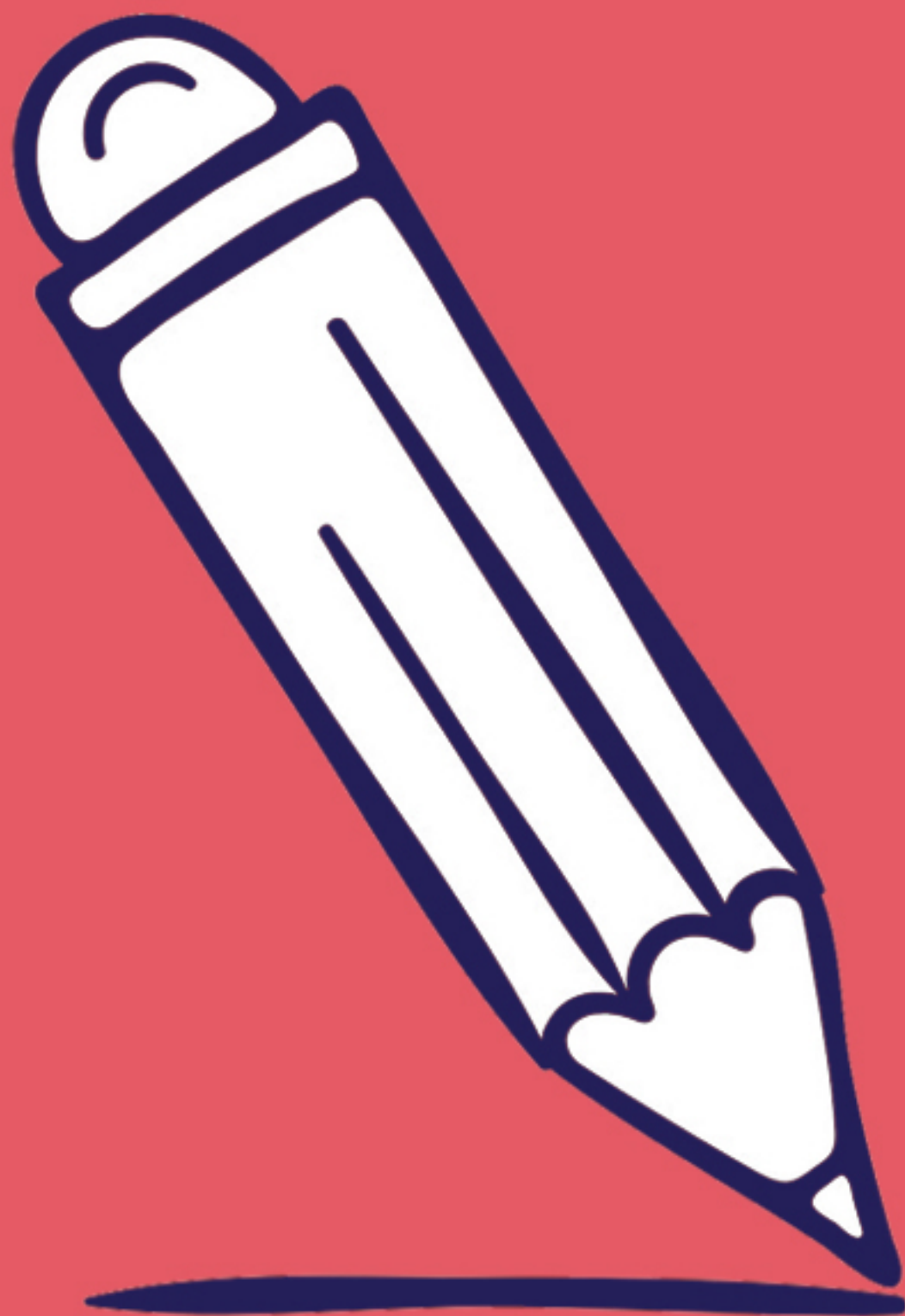




نقشه + کتاب

تاریخچه گونه‌های ادبی ۲

یادداشتی از امیر محمد بهرامیر
پژوهشگر

داستان‌نویسی و قصه‌گویی از خیلی وقت پیش وجود داشته؛ از وقتی که آدم‌ها دور آتش می‌نشستن و برای هم داستان می‌گفتن؛ اما خود مفهوم «گونه ادبی» به شکل منظم‌تر و دقیق‌تر از دوران یونان باستان شروع شد؛ وقتی که فیلسوف‌ها مثل ارسطو تلاش کردند تا هنر قصه‌گویی و نمایش‌نامه‌ها رو دسته‌بندی کنن.

گونه‌های ادبی پرطرفدار

یونانی‌ها فهمیدن که داستان‌ها و نمایش‌ها انواع مختلفی دارن و هر نوع، ویژگی‌های خاص خودش رو داره. این تقسیم‌بندی‌ها به مرور زمان تکمیل شد و در دوره‌های بعدی، با ظهور کتاب و چاپ، گونه‌های مختلف

داستانی بیشتر شناخته شدن و توسعه پیدا کردن. امروزه گونه‌های ادبی متنوعی داریم که هر کدام طرفداران خاص خودشون رو دارن؛ اما پنج گونه خیلی مهم و شناخته شده که اغلب کتاب‌ها در این دسته‌ها قرار می‌گیرن، عبارت‌اند از: واقع‌گرایی (رئالیسم)، فانتزی، علمی‌تخیلی، کارآگاهی و جاسوسی و تاریخی.

واقع‌گرایی (رئالیسم):

از قرن نوزدهم شروع شد؛ زمانی که نویسندگانش تصمیم گرفتند داستان‌هایی بنویسن که زندگی واقعی مردم رو دقیق و بدون تزئین نشان بدن. قبلش داستان‌ها بیشتر افسانه‌ای و خیالی بودن، ولی

نویسنده‌های رئالیسم مثل چارلز دیکنز، تلاش کردن مشکلات اجتماعی و زندگی روزمره رو تو کتاب‌ها بیارن؛ مثلاً تو ایران خودمون، هوشنگ مرادی کرمانی با «قصه‌های مجید»، زندگی یه پسر شیطون و مادر بزرگ مهربونش رو توی کرمان تعریف می‌کنه؛ پر از لحظه‌هایی که خیلی‌هامون تجربه‌شون کردیم.

فانتزی:

قدمتش به هزاران سال پیش برمی‌گرده؛ چون افسانه‌ها و اساطیر قدیمی مثل قصه‌های «هزارویک شب» یا اساطیر یونان باستان، خودشون نوعی داستان فانتزی بودن؛ اما به شکل امروزی، فانتزی در

قرن بیستم با کتاب‌هایی مثل «ارباب حلقه‌ها»
تونست محبوب بشه و دنیای جدیدی از جادو
و موجودات خیالی رو معرفی کنه.

مثلاً حمیدرضا شاه‌آبادی با «لالایی برای دختر مرده»،
داستان دختری نوجوان رو تعریف می‌کنه که
ناگهان با دختری از گذشته‌های دور در قحطی مشروطه
ارتباط پیدا می‌کنه؛ پر از ماجراهای فانتزی
و تاریخی که هم هیجان‌انگیزند و هم با دغدغه‌ها
و حس کنجکاوی ما گره خوردند.

علمی‌تخیلی:

از اواخر قرن نوزدهم شکل گرفت و به‌خاطر

نویسنده‌هایی مثل ژول ورن و هربرت جورج ولز بود که داستان‌هایی درباره سفر به فضا، اختراعات جدید و آینده نوشتند. این گونه ادبی رشد زیادی داشت و با پیشرفت علم و تکنولوژی، موضوعاتش هم پیچیده‌تر و جذاب‌تر شد.

مثلاً رضا قرالو در کتاب «بیست و سه»، داستان پسری نوجوان به نام پاشا رو بیان می‌کنه که ناگهان وارد دنیایی موازی می‌شه و با زن شمشیرباز و روباه دست‌آموزی روبه‌رو می‌شه؛ پر از ماجراهای علمی‌تخیلی و هیجان‌انگیز که هم تخیل رو به حرکت درمی‌آره و هم حس کنجکاوی و ماجراجویی ما رو برمی‌انگیزه.

کارآگاهی و جاسوسی:

ریشه‌اش به قرن نوزدهم برمی‌گردد مخصوصاً با ظهور شخصیت‌های معروفی مثل شرلوک هولمز که به دست آرتور کانن دویل خلق شد. این داستان‌ها پر از معما و رمزگشایی شدن و خواننده‌ها رو دعوت می‌کنن تا در حل معماها همراه شخصیت اصلی باشن.

مثلاً نیما اکبرخانی در «عزرائیل»، داستان یک مأمور امنیتی و زندگی پرهیجان اطرافش رو تعریف می‌کنه؛ پر از اتفاق‌هایی که هیجان و رمزوراز رو با واقعیت‌های تاریخی ایران ترکیب کرده و خواننده رو کنجکا و نگه می‌داره.

تاریخی:

این گونه هم داستان‌هایی رو تعریف می‌کنه که در زمان‌های گذشته اتفاق افتادن، ولی شکل امروزیش از قرن هجدهم به بعد رشد کرد؛ وقتی نویسندوها تلاش کردن زندگی مردم و اتفاقات تاریخی رو با دقت بیشتر روایت کنن. کتاب‌های تاریخی به ما کمک می‌کنن تا دنیای قدیم رو بهتر درک کنیم و از تجربیات گذشته درس بگیریم.

مثلاً علی‌علیزاده با کتاب «صدای شب»، داستان دو نوجوان شجاع در زمان حمله مغول‌ها به شهر صدر وازه رو روایت می‌کنه؛ پر از هیجان، دوستی و لحظه‌هایی که ما رو با شجاعت و ایستادگی آشنا می‌کنه.

حالا دوباره برگردیم به این سؤال که چرا شناخت گونه ادبی مهمه؟ چون هر گونه بهت تجربه متفاوتی می‌ده؛ بعضی‌ها باعث می‌شن نکته جدید یاد بگیری، بعضی‌ها باعث می‌شن تخیلت پرواز کنه، بعضی‌ها بهت امید و انگیزه می‌دن و بعضی‌ها فقط برای این هستن که خستگی‌هات رو در کنی و بخندی. وقتی این رو بفهمی، دیگه کتاب‌خوانی برات شانسی نیست، بلکه یه انتخاب آگاهانه‌ست؛ درست مثل وقتی که می‌دونی امروز می‌خوای بستنی توت‌فرنگی بخوری، نه شکلاتی.